

به نام خدا

دعای صبح

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است
خدایا، ای آنکه زبان صبح را به گویایی تابش و روشنایی اش برآورد، شب تار را با
تیرگیهای شدید به هم پیچیده اش به اطراف جهان افرستاد، و ساختمان سپهر گردون
را در اندازه های زیبایش محکم نمود، و پرتو خورشید را به روشنایی اشعه هورش در
همه جا برافروزد، ای آنکه بر ذاتش دلی است و از شباهت و همگونگی با آفریده هگانش
منزه است و شأنش از سازگاری با کیفیات مخلوقاتش برتر است، ای آنکه به باورهای
گذرا بر دل نزدیک و از چشمانداز دیدگان سر دور است، و آنچه را هستی پیش از
آنکه پدید آید می داند، ای آنکه در گاهواره امن و امانش خوابانید مرا و به جانب
آنچه از نعمتها و احسانش که بی دریغ به من بخشید بیدارم کرد و دستهای حوادث
و آفات را با دست لطف و قدرتش از من بازداشت. خدایا، درود فرست به آن راهنمای
به سویت در شب تیره و تار جاهلیت [۱](#)

و آن چنگ زننده از میان ریسمانهایت به بلندترین رشته شرف و آن دارنده حسب
پاک و ناب که برگرده استوارترین روشن شرافت قرار دارد، و آن ثابت قدم در
لغزشگاههای دوران پیش از بعثت، و نیز بر خاندان او که بهترین انتخاب شدگان و
برگزیدگان و نیکانند. خدایا! درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما
بگشا، و بر من از بهترین لباسهای هدایت و صلاح بیوشان، به عظمت در آبشخور
قلبم چشمه های فروتنی را بجوشان، و در برابر هیبت از گوشه های دیگرانم روده های
اشک سوزان جاری ساز، و مرا از بل پروایی و نادانی به مهارهای قناعت و خواری ادب
فرما. [۲](#)

خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو از ابتدا شامل حال من نبود چه کسی رهنمای من
به سویت در این راه روشن می بود؟ و اگر مهلت مرا تسلیم آمال و آرزوهای باطل
کند آنگاه چه کسی لغزشهایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می کند؟ و اگر به
هنگام جنگ با نفس و شیطان یاریت مرا واگذارد این یارین نکردنت مرا در آغوش
رنج و محرومیت اندازد. [۳](#)

خدای منم، بینی که به پیشگفت نیامدم مگر از جهتی که نسبت به رحمتت امروزها
داشتم، یا چنگ نزدم به اطراف رشته استوارت مگر آنگاه که گناهانم مرا از خانه وصال

تو دور ساختی پس چه بد مرکبی است مرکب خواسته های باطل که نفسم بر آن سوار شده، وای بر این نفس که گمانهای بلمورد و آرزوهای نابجایش با همه زشتی در برابرش زیبا جلوه کرده! و مرگ بر او که سرور و مولایش جزات نموده! خدایا با دست امید در رحمتت را کوبیدم و از کثرت هوسرانی ام به پاهندگی به سویت گریختم و به کناره های رشته استوارت انگشتان محبتم را آویختم. بار خدایا از آنچه در گذشته مرتکب شدم، از لغزش و خطایم چشمپوشی کن و از درافتادن به جامه تنگ گناه رهایم ساز که به یقین تویی سرور و مولا، و پشتیبان و امید من، [۴](#)

و تویی منتهای خواسته و آرزوی مندر دنیا و آخرت، خدای من! چسان درمانده ای را که در حال گریز از گناهان خویش به تو پناه بسته از خود می رانی؟ یا چگونه رهجویی را که شتابان قصد آستانه ناموده ناامید می کنی؟ یا چگونه تشنه ای را باز ملگردانی که وارد حوضهای شده؟ البته که چنین نخواهی کرد زیرا حوضهای رحمتت در سختترین خشکسالیها لبریز و درگاه لطف همواره برای درخواست و وارد شدن باز است، تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو. خدای من این مهار نفس من است که به پایبند مشیت بستم، و این بارهای سنگین گناهان من است که به پیشگاه عفو و رحمت انداختم، [۵](#)

و این هوسهای گمراهکننده من است که به درگاه لطف و مهتر وا گذاشته. بار خدایا! این صبح مرا چگونه آغاز کن که با پرتو هدایت و با سلامت آدین و دنیا همراه باشد و شبم را سپری ساز از نیرنگ دشمنان و نگاهبانی گردان از هلاکتهای هوای نفس، که به یقین تو به هر چه بخواهی توانایی، فرمانروایی را به هر که بخواهی عنایت می کنی، و از هر که بخواهی باز می ستانی، و هر که بخواهی عزت می بخش، و هر که اراده کنی به ذلت ملئشانی، خوبی بدست تو ست، همانا بر همه چیز توانایی، شب را در روز درمآورد، و روز را در شب، زنده را از مرده بیرون مآورد، و مرده را از زنده، زنده، و هر که را بخواهی بلحساب روزی می دهد. معبودی جز تو نیست. بار خدایا! تنها تو را منزّه می دارم و سپاس و ستایش ملگویم، کیست که قدر تو را بشناسد و از مقام تو نترسد؟ [۶](#)

و کیست که بداند تو کسیتی آنگاه از تو نهراسد؟ با قدرت خود پراکنده را الفت بخشیدی و با مهربانیت سپیده لدم را شکافتی و با کرمات تاریکیهای شب را روشن نمودی، و آبهای شیرین و شور را از دل سنگهای سخت و خارا جاری کردی و از ابرهای گران بارانی فراوان فرو ریختی و خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان قرار دادی، بآنکه در آنچه آغازگر پیدایشش بودی دچار خستگی و ناتوانی و چارهجویی

شوی ای آنکه در عزت و بقا یگانه است و بندگان را به مرگ و فنا مقهور خود ساخته است، درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزگارش و ندای مرا بشنو، [۷](#)

و دعایم را اجابت گو، و به فضل خود آرزو و امیدم را محقق فرما، ای بهترین کسی که برای برطرف ساختن هر بدحالی خوانده و برای هر سختی و آسانی آرزو شده، نیازم را به پیشگاه تو فرود آوردم، پس از موهبت‌های بلندپایه خود ناامیدانه ردّ مکن ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود خدا بر بهترین آفریده اش محمد و اهل بیت او همه [۸](#)

آنگاه به سجده رود و بگوید:

خدای مندلّم در پرده های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته و عظم مغلوب هوای نفسم شده و هوای نفسم بر من چیره آمده، طاعتم اندک، و نافرمانیم بسیار، و زبانم اقرارکننده به گناهان است، چاره من چیست ای پرده‌پوش عیبها، ای دانای نهانها، ای برطرفکننده غمها، همه گناهان مرا بیامرزد، به احترام محمد و خاندان محمد، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده، به مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان.